



مقالات

اقتصاد کشور در سطوح مختلف در حال تغییر و تحولات زیربنایی است و با رشد مداوم، ولی متغیر در راه توسعه و پیشرفت پیش می‌رود. صنعت بیمه در حال حاضر با ورود شرکت‌های بیمه خصوصی به بازار، مهم‌ترین دوره تاریخی خود را تجربه می‌کند و به نظر می‌رسد که با آغاز فعالیت بیمه‌های خصوصی در آینده‌ای نزدیک، بازار بیمه ایران شاهد تحولات و موفقیت‌ها باشد.

طبق برنامه سوم توسعه، دولت برای رشد اقتصادی، ایجاد اشتغال، افزایش تولید کالاهای مورد استفاده (اعم از مصرفی و سرمایه‌گذاری) و ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی هدف‌گذاری کرده است. ورود بخش خصوصی به عرصه بانکداری و صنعت بیمه از جمله این هدف‌هاست. صنعت بیمه باید در جهت هدف‌های کلان اقتصادی دولت حرکت کند. این هدف تنها در فضای رقابتی که موجب رضایتمندی آحاد جامعه از خدمات صنعت بیمه خواهد بود، محقق می‌شود. صنعت بیمه باید در فضای رقابتی حرکت کند تا بتواند در افزایش تولید، مؤثر واقع شده و کارایی داشته باشد و ضمن ارایه تأمین به فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی در توزیع مناسب تولید ناخالص داخلی نیز نقش مهمی را ایفا کند. در دو دهه اخیر، ویژگی حاکم بر صنعت بیمه، وجود یک بازار انحصاری با حضور چند شرکت بیمه دولتی بوده که سهام آن شرکت‌ها نیز به دولت تعلق داشته است. به دلیل تعداد محدود شرکت‌های بیمه دولتی در مقایسه با بازار بالقوه عظیمی که در کشور وجود دارد، این شرکت‌ها پرتفوی آماده‌ای داشته‌اند و کمتر خلاقیت و نوآوری در آنها دیده شده است. البته این شرکت‌ها در مقاطع مختلفی تلاش‌های چشمگیری داشته‌اند؛ ولی به علت ماهیت فعالیت بخش دولتی در صنعت بیمه و فقدان بازار رقابتی، به موفقیت قابل قبولی دست نیافته‌اند. ضمن آنکه ظرفیت پذیرش و نگهداری ریسک و پرتفوی شرکت‌های دولتی در مقایسه با ظرفیت بالقوه عظیم بازار نیز متناسب نبوده و شاید به همین دلیل، نیازی به خلاقیت و نوآوری احساس نشده است. فراگیر نبودن فرهنگ بیمه و فقدان پوشش‌های جذاب بیمه‌ای، دست به دست هم داده‌اند تا با همه تلاش‌های سالیان اخیر، ضریب نفوذ بیمه، فقط به یک درصد تولید ناخالص ملی برسد که در مقایسه با بازارهای مشابه کشور ما، چندان قابل قبول به نظر نمی‌رسد.

• آیت کریمی

چشم‌اندازها و چالش‌های آینده

صنعت بیمه

شرکت‌ها به بخش خصوصی واگذار شوند. البته از نظر کارشناسی، دولت می‌تواند در کسوت سرمایه‌گذار همچنان با عنایت به قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری، سهامی را برای خود حفظ کند؛ ولی بهتر است که بیشتر سهام شرکت‌های بیمه را به بخش خصوصی واگذار نماید. در این صورت با شکل‌گیری بازار رقابتی، کلیه شرکت‌های بیمه با تکیه بر توان و ظرفیت خود می‌توانند در بازار بیمه آینده ایران، ایفای نقش کنند.

آنها به شرکت‌های بیمه خصوصی، موجب آن خواهد شد که شرکت‌های بیمه دولتی توان رقابت با بخش خصوصی را نداشته باشند. ترکیب متوازن پرتفوی آنها به هم خورده و دولت دچار زیان هنگفتی شود. اصولاً در بازار رقابتی، ضرورتی ندارد که دولت تصدی چند شرکت بیمه دولتی را داشته باشد. دولت برای رفع نیازهای بیمه‌ای خود فقط می‌تواند یک شرکت بیمه را حفظ کند که حضور مؤثر آن در بازار رقابتی نیز وابسته به اصلاح ساختار و نحوه مدیریت آن می‌باشد و اصلح است که بقیه

ضرورت خصوصی سازی

شرکت‌های بیمه دولتی

در حال حاضر شرکت‌های بیمه دولتی همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهند، ولی برنامه‌ای در دست تهیه است تا قبل از شکل‌گیری بازار رقابتی، این شرکت‌ها نیز به بخش خصوصی واگذار شوند. در غیر این صورت با حاکمیت مقررات دولتی بر شرکت‌های دولتی، تورم نیروی انسانی و انتقال نیروی متخصص و ماهر شرکت‌های دولتی به همراه بخشی از پرتفوی مطلوب



تبدیل نظام نظارت تعرفه‌ای به نظارت مالی

حرکت صنعت بیمه باید به سوی بازار بدون تعرفه باشد و نظارت بیمه مرکزی ایران نیز باید از نظارت تعرفه‌ای به نظارت مالی تبدیل شود؛ مسیری که اغلب کشورهای در حال توسعه بعد از آزادسازی و خصوصی‌سازی صنعت بیمه آن را طی کرده‌اند. البته چگونه طی کردن نیز، بسیار مهم است. هدف نهایی ما بازار بیمه بدون تعرفه می‌باشد؛ ولی حذف تعرفه زمانی امکان‌پذیر خواهد بود که بازار، دوره گذار را سپری کند، روند آزادسازی و خصوصی‌سازی به نتیجه برسد و مقررات لازم تصویب و یا مقررات، متناسب با نیاز بازار اصلاح شود.



تعرفه و شرایط یکنواخت نیز که به علت دولتی بودن شرکت‌های بیمه با مدیریت دولتی اجتناب‌ناپذیر بوده، موجب شده است که شرکت‌های بیمه در میدان محدودی، امکان رقابت اندکی داشته باشند. در اغلب موارد، پرتفوی موجود بین شرکت‌های بیمه جابه‌جا شده و کمتر شاهد پرتفوی جدیدی بوده‌ایم. نگاهی به آمار سال ۱۳۸۰ نشان می‌دهد که رشته‌های بیمه شخص ثالث و درمان به ترتیب با ۳۵/۵ و ۱۲/۸ درصد حق بیمه و همچنین ۵۴/۱ و ۱۷/۴ درصد خسارت بخش قابل

تسهیلات و بستر لازم را برای فعالیت شرکت‌های بیمه خصوصی فراهم آورده و نقش اصلی خود را به کنترل، نظارت و اجرای قوانین محدود کند. در یک بازار رقابتی شرکت‌های بیمه دولتی دیگر نمی‌توانند امتیاز یا انحصار خاصی داشته باشند و با تکیه بر تسهیلات دولت به حیات خود ادامه دهند. تحولات کلی اقتصاد و حضور بخش خصوصی کارآمد موجب ایجاد تحول در صنعت بیمه خواهد شد.

بیشتر شرکت‌های بیمه دولتی به دلیل ساختار حاکم و کم بودن خلاقیت و نوآوری، عمدتاً بیمه‌نامه‌های سنتی صادر کرده‌اند. در نتیجه از لحاظ فنی پیشرفت

چشمگیری نداشته‌اند و در حدی نیستند که بتوانند در بازار رقابتی بدون تعرفه فعالیت کنند. در شرکت‌های دولتی، آموزش‌های فنی و کارآموزی به طور جدی و برنامه‌ریزی شده پیگیری نشده است و افزون بر این، محدودیت‌های دیگری نیز مانند استخدام کارشناس و نحوه پرداخت حقوق و مزایا در این شرکت‌ها وجود دارد. بنابراین تعیین تکلیف شرکت‌های بیمه دولتی و خصوصی‌سازی آنها باید در اولویت باشد.

شرکت‌های بیمه دولتی با تکیه بر دولت در بازار انحصاری فعالیت کرده، و مقررات دست و پاگیر دولتی نیز بر دامنه مشکلات آنها افزوده است. فعالیت بیمه باید به گونه‌ای باشد که ضمن حفظ حقوق بیمه‌گذاران و بیمه‌شدگان و ارایه پوشش‌های مورد نیاز آنها، حق بیمه معقولی نیز از بیمه‌گذاران دریافت شود تا رضایت آنها کاملاً جلب و سود معقولی نیز عاید سهامداران شرکت گردد. یکی از ابتکارها در این خصوص، سرمایه‌گذاری بهینه ذخایر در بازار سرمایه و کسب سود از این محل است که می‌بایست در برنامه‌ریزی‌ها مورد توجه قرار گیرد. شرکت بیمه نباید به آژانس وصول دولتی تبدیل شود و از بیمه‌گذاران، که گاهی دولتی نیز هستند، حق بیمه وصول کند و بدون توجه به تناسب هزینه - فایده عملیات خود، زیان احتمالی را به دولت انتقال دهد. حتی ممکن است شرکت بیمه در ترازنامه خود سودی را هم نشان دهد؛ اما چنانچه این سود با توجه به هزینه‌ها و گردش پرتفوی در نظر گرفته شود، شاید اجاره ساختمان مرکزی شرکت بیمه را هم تأمین نکند. در این شرایط، نتیجه فعالیت شرکت نه تنها مثبت بلکه زیان‌آور است؛ زیرا درآمدی متناسب با حجم سرمایه و ذخایر خود کسب نکرده است. در بخش خصوصی، همه عوامل مؤثر بر هزینه و درآمد با توجه به بازده بازار سرمایه در نظر گرفته می‌شود؛ زیرا بخش خصوصی در زمینه‌های سرمایه‌گذاری می‌کند که در مقایسه با سایر بخش‌های بازار مالی، استفاده منطقی‌تری داشته باشد (نظیر سرمایه‌گذاری در بورس، بانک و غیره). در چنین وضعیتی، نقش دولت نیز باید تغییر کند و به جای تصدی و در اختیار گرفتن کلیه فعالیت‌های صنعت بیمه،

ملاحظه‌ای از بازار بیمه کشور را به خود اختصاص داده‌اند.

این آمار، بیانگر آن است که بخش اعظم پرتفوی شرکت‌های بیمه دولتی را دو رشته شخص ثالث و درمان اشغال کرده‌اند و بخش کوچکی به سایر رشته‌ها تعلق دارد. یعنی، ما کمتر توانسته‌ایم در سایر رشته‌های بیمه که عمدتاً با بیمه‌گذاران خصوصی طرف هستیم به موفقیت نسبی دست پیدا کنیم. در بخش بیمه‌های عمر، وضع وخیم‌تر از سایر رشته‌هاست و فقط ده درصد پرتفوی شرکت‌های بیمه را تشکیل می‌دهد که آن هم عمدتاً به بیمه‌های عمر گروهی اختصاص دارد که بخش عمده حق بیمه آن را کارفرما می‌پردازد. تعداد بیمه‌گذاران خصوصی که بیمه عمر پس‌اندازی دارند، بسیار اندک است؛ در حالی که امروزه در دنیا، بیمه‌های عمر پس‌اندازی، گسترش بسیاری یافته و بیمه‌گران عمر، گوی سبقت را از پس اندازهای بانکی ربوده‌اند. صاحبان پس‌انداز در درجه اول به سوی شرکت‌های بیمه عمر می‌روند تا با خرید انواع متنوعی از بیمه‌های عمر پس‌اندازی، آتیۀ خود و خانواده خویش را تأمین کنند. در برخی از کشورها نظیر ژاپن، ایالات متحده آمریکا و کره جنوبی، ذخایر ریاضی شرکت‌های بیمه عمر پس‌اندازی از ذخایر بانک‌ها در بخش پس‌انداز بیشتر است. بیمه‌نامه‌های عمر در کشورهای دارای سیستم تأمین اجتماعی یا بازنشستگی، بهترین تأمین مکمل به شمار می‌رود؛ زیرا دریافتی از صندوق بازنشستگی (اعم از تأمین اجتماعی یا صندوق بازنشستگی) جوابگوی هزینه‌های روزافزون نیست؛ علت آن است که فقط حداقل هزینه‌ها یا هزینه‌های متوسط را تأمین می‌کند. با بیمه‌نامه عمر می‌توان کمبود آن را نه تنها جبران کرد، بلکه رفاه خوبی برای استفاده‌کنندگان به ارمغان آورد. متأسفانه در دو دهه اخیر در بازار بیمه کمتر شاهد ارایه انواع متنوعی از بیمه‌نامه‌های

حرکت صنعت بیمه باید به سوی بازار بدون تعرفه باشد و نظارت بیمه مرکزی ایران نیز باید از نظارت تعرفه‌ای به نظارت مالی تبدیل شود؛ مسیری که اغلب کشورهای در حال توسعه بعد از آزادسازی و خصوصی‌سازی صنعت بیمه آن را طی کرده‌اند.

عمر بوده‌ایم و به ندرت محصول جذاب و قابل فروش در سطح وسیع به مردم ارایه شده است. مردم نیز نیازهای خود را در فعالیت‌های دیگر جست و جو کرده و عده کثیری از جوانان، پشتوانه کافی برای آینده خود و خانواده خویش ندارند. نتیجه اینکه در بخش بیمه‌های عمر پس‌اندازی، آمار قابل عرضه‌ای وجود ندارد. ده درصد بیمه‌های اشخاص مربوط به بیمه‌های عمر خطر فوت گروهی است که کارفرمایان برای کارکنان خود خریداری کرده‌اند.

به موجب قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری، بازار بیمه ایران تعرفه‌ای بوده و تعیین تعرفه و شرایط عمومی رشته‌های مختلف بیمه‌ای از وظایف شورای عالی بیمه است. شرکت‌های بیمه در چارچوب نظام تعرفه‌ای، توانسته‌اند با سرمایه‌گذاری ذخایر خود در بازار سهام، نقش مؤثری داشته باشند و هم‌چنین در فعالیت‌های بازرگانی و صنعتی و خرید یا ساخت ساختمان‌های اداری برای واحدهای تابعه خود و سایر طرح‌های عمرانی مشارکت کنند که نتیجه آن افزایش ظرفیت پذیرش و نگهداری ریسک و پرتفوی در بازار داخلی بوده است. در شرایط کنونی که شرکت‌های بیمه خصوصی آماده ورود به بازار هستند، سعی خواهند کرد که هزینه‌های بیمه‌گری و پرسنلی خود را در سطح معقولی قرار داده و از نیروی متخصص و کاردان استفاده کنند تا بتوانند در بازار رقابتی به فعالیت

پردازند. در حالی که شرکت‌های بیمه دولتی، قبل از واگذاری به بخش خصوصی، هم با تورم نیروی انسانی مواجه‌اند و هم حفظ پرتفوی متعادل سابق برای آنها دشوار خواهد بود. ضریب خسارت بازار نیز به حدی رسیده است که نتیجه عملیات فنی در حال حاضر که هنوز بازار رقابتی نشده به نقطه سر به سر نزدیک است. بنابراین، حذف تعرفه قبل از شکل‌گیری بازار رقابتی و تعیین تکلیف شرکت‌های بیمه دولتی، آنها را با مشکل مواجه می‌کند.

شرکت‌های بیمه خصوصی در مرحله گذار، نمی‌توانند نرخ‌ها را کاهش دهند. به همین دلیل ما باید تعرفه را در کوتاه‌مدت حفظ کنیم. ضمن اینکه اکنون ضریب خسارت بازار در حدی است که به هیچ وجه اجازه کاهش نرخ را نمی‌دهد؛ چرا که پرتفوی شرکت‌های بیمه داخلی به مرزهای جغرافیایی ایران محدود است. این شرکت‌ها در جنگ نرخ‌ها تا آنجا می‌توانند دوام بیاورند که بتوانند ادامه حیات دهند. در حالی که شرکت‌های بیمه بین‌المللی چون در سطح جهان فعالیت می‌کنند و پشتوانه‌های قوی‌تری دارند، می‌توانند در کوتاه‌مدت با کاهش نرخ در بازار یک کشور و کسب درآمد از بازارهای دیگر با شرکت‌های بیمه داخلی رقابت کنند و نرخ‌ها را به شدت کاهش دهند. شرکت‌های بیمه خارجی با قدرت مالی زیاد خود، می‌توانند با پرداخت کارمزدهای بیشتر به واسطه‌های بیمه، شرکت‌های بیمه داخلی را دچار مشکل کنند و سهم خود را در بازار افزایش دهند. این شرکت‌ها در سرمایه‌گذاری ذخایر خود نیز آزادی عمل بیشتری دارند و به آسانی می‌توانند ذخایر خود را با استفاده از تخصص‌هایی که در مدیریت سرمایه‌گذاری دارند به نحوی مدیریت کنند که استفاده بهینه‌ای نصیبشان شود. بنا به دلایل فوق، بازار تعرفه در کوتاه‌مدت برای حمایت از شرکت‌های بیمه خصوصی می‌بایست با نظارت دقیق بیمه مرکزی ایران کنترل شده حفظ و به



تدریج با افزایش توانگری شرکت‌های بیمه داخلی، حذف شود و نظارت بر اجرای تعرفه نیز جای خود را به نظارت مالی دهد. هرچند، نظارت بیمه مرکزی ایران بر اجرای تعرفه در شرایط جدید بسیار دشوارتر است و ظرفیت و نوآوری شرکت‌های بیمه را هم محدود می‌کند. ولی برای حمایت از شرکت‌های بیمه خصوصی در کوتاه‌مدت، چاره‌ای جز حفظ نظام تعرفه نیست و آزادسازی آن هم باید با احتیاط صورت گیرد. شرکت‌های بیمه داخلی نیز در این مدت فرصت خواهند داشت که خود را مهیا و چنان تجهیز کنند که بتوانند خود را با بازار رقابتی بدون تعرفه وفق دهند. باید هدفها و برنامه‌های خود را به خوبی تعریف کنند و با ژرف‌بینی، فعالیت خود را هماهنگ با شرکت‌های بیمه دیگر و با هدایت بیمه مرکزی ایران برای رقابت با شرکت‌های چند ملیتی، برنامه‌ریزی کنند.

تحولات جهان بیمه

به دلیل تحولات و همچنین مشکلات اقتصادی که در سال‌های اخیر، اقتصاد جهان با آن روبه‌رو بوده و به ویژه پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ ایالات متحده آمریکا که موجب تغییرات عمده در سیاست‌های جهانی و تحولات گسترده‌ای شد، اکنون وضعیت به کلی تغییر کرده است. در این خصوص صنعت بیمه جهانی که زمینه‌ساز و تأمین‌کننده سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در کشورهای مختلف جهان است از این تغییرات، بسیار متأثر شده است. ظرفیت پذیرش و نگهداری ریسک و پرتفوی برای بیمه‌گران و بیمه‌گران اتکایی بین‌المللی، به دلیل کاهش ظرفیت و دشواری تهیه پوشش اتکایی و بالا بودن حق بیمه این نوع پوشش‌ها، بسیار دشوار شده است. به علت مشکلات فوق، در همه کشورها توجه اصلی به بازار رقابتی صنعت بیمه معطوف شده است که در آن همه چیز به ساز و کار بازار همراه با

نظارت و کنترل دقیق سپرده می‌شود. البته ناگفته نماند که شرایط از یک بخش اقتصادی به بخش دیگر و از یک کشور به کشور دیگر متفاوت است.

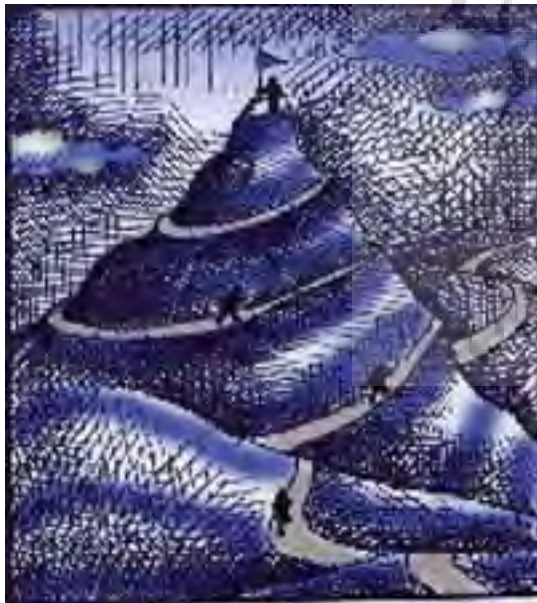
در حال حاضر که بازار جهانی اتکایی با بحران مواجه است، نرخ حق بیمه و نرخ پوشش‌های اتکایی بالا رفته و بسیاری از شرکت‌های بیمه اتکایی دچار ورشکستگی شده و از بازار خارج شده‌اند. به عبارتی، ظرفیت بسیار بالا و رقابتی بازار اتکایی جهانی با کمبود ظرفیت مواجه است. این بحران بازار جهانی اتکایی، پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تشدید شده است. مشکل یاد شده در واگذاری‌های مجدد بیمه‌گران اتکایی، حادثه‌تر است. حتی در برخی از رشته‌ها، درصد بالایی از ریسک‌هایی که عمدتاً باید به بازارهای بین‌المللی واگذار شود، ناچار بدون پوشش نزد واگذارنده باقی می‌ماند. این کمبود ظرفیت و بحران بازار جهانی اتکایی، موجب شده است که در برخی از کشورها، ظرفیت نگهداری خود را به ظرفیت صدور خود محدود کنند و بیش از ظرفیت نگهداری خویش، کار قبول نکنند و

نگهداری در سطح صدور را معمولاً به شرکت‌هایی توصیه می‌کنند که در آستانه حد ناتوانی مالی قرار دارند. شرکت‌های بیمه خصوصی در بخش‌های صدور، ارزیابی و تصفیه خسارت، اتکایی، مدیریت ریسک، آمار، انفورماتیک، مدیریت مالی و سرمایه‌گذاری و مدیریت کلی شرکت و در نهایت ارایه خدمات مطلوب به مشتری، نیازمند

برنامه‌ریزی اساسی هستند تا بتوانند در بازار رقابتی مشتری جذب کنند و همچنین خدمات آنها کیفیت خوبی داشته باشد. در عین حال ایران ناگزیر به ورود به سازمان تجارت جهانی است. در آن صورت بازار بیمه در ایران باید به روی شرکت‌های بیمه چند ملیتی باز باشد. ورود شرکت‌های بیمه چند ملیتی موجب رقابت شدید همراه با کاهش نرخ‌های بیمه خواهد شد.

نقش بیمه مرکزی ایران

برنامه‌ریزی کلان برای هدایت بازار بیمه بر عهده بیمه مرکزی ایران است. شرکت‌های بیمه تازه تأسیس، نیازمند رهنمود و هدایت بیمه مرکزی ایران هستند تا این آمادگی را پیدا کنند که در بازار آزاد بیمه‌ای بدون تعرفه به رقابت بپردازند. ادامه حیات دهند و پیشرفت کنند. ضروری است بیمه مرکزی ایران که سیاست‌گذار و متولی صنعت بیمه است، استراتژی حرکت و فعالیت صنعت بیمه را هماهنگ با هدف‌های کلان اقتصادی دولت در راستای



برنامه سوم توسعه تدوین کند و ضمن تأمین توسعه مناسب بازار، تمهیداتی بیندیشد تا تأثیر این تحول در اقتصاد کشور نیز مشهود باشد. فراگرد آزاد سازی در صنعت بیمه، حرکتی به سوی بازار رقابتی و پیشرفت اقتصادی و امکانی برای آن است که مصرف کنندگان و متقاضیان بیمه، حق انتخاب و اندیشیدن به کیفیت خدمات و پوشش‌های بیمه‌ای را داشته باشند. این فراگرد ستودنی و دلگرم کننده است و فقط در چنین اوضاع و احوالی است که شرکت‌های بیمه کارآمد و با کیفیت می‌توانند فعالانه در بازار حضور داشته باشند و از منابع و ذخایر مالی خود به نفع استفاده‌کنندگان از پوشش‌های بیمه‌ای به نحو بهینه‌ای استفاده کنند. اما این نگرانی هم وجود دارد که فراگرد آزادسازی در بخش‌های خصوصی از جمله بیمه با مشکلاتی که اکنون بازار بیمه جهانی با آن مواجه است روبه‌رو شود و انتظارات و رضایت بیمه‌گذاران در بازار داخلی با توجه به مشکلات بین‌المللی در مقطع حساس کنونی تحقق پیدا نکند، قدرت مالی کافی و کارایی لازم وجود نداشته باشد، منابع مالی کفایت نکند، مشتری مطلوبیت مورد نظر را از کیفیت خدمات بیمه‌ای به دست نیاورد و سرانجام منافع مورد نظر اقتصادی و اجتماعی در عمل به طور کامل بر طبق برنامه‌ریزی، تأمین نشود. همیشه باید به واقعیت این تغییرات که اکنون در صنعت بیمه در جریان است به مثابه بخشی از فراگرد کلی بهبود اقتصادی کشور توجه کنیم. نقش محوری بیمه در این فراگرد کلی اقتصاد به تأکید مجدد نیاز ندارد. تحقق این امر بر عهده بیمه مرکزی ایران است که براساس ماده اول از قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری در بخش حاکمیت دولت، وظیفه نظارت و هدایت امر بیمه و حمایت از بیمه‌گذاران، بیمه‌شدگان و صاحبان حقوق آنها را بر عهده دارد. این نهاد می‌بایست ضمن اعتبار بخشیدن به بازار، آن را در مسیر صحیح هدایت کند. صنعت بیمه همچنین یکی از

مهم‌ترین ابزارهایی است که می‌تواند نقش اصلی را در تجهیز و تخصیص بهینه منابع مالی برای توسعه بازار سرمایه ایفا کند و بر تأثیرگذاری شرکت‌های بیمه مستقیم و اتکایی در اقتصاد داخلی و بین‌المللی بیفزاید.

انگیزه تأسیس شرکت‌های بیمه خصوصی باید توسعه پوشش‌های بیمه‌ای در بازار بالقوه عظیم کشور باشد نه بهره گرفتن از امتیاز تعرفه و شرایط بازار بیمه کشور و کسب پرتفویی که ممکن است از طریق ایجاد رانت نصیب این شرکت‌ها شود. بیمه مرکزی ایران باید شرایط جدید، یعنی بازار رقابتی بدون تعرفه را در میان مدت فراهم کند. انتظار می‌رود که شرکت‌های بیمه خصوصی بتوانند با موفقیت خود را با

شرکت‌های بیمه داخلی به دلیل

نوپا بودن و توان مالی ناکافی

در مقایسه با شرکت‌های بیمه

خارجی که سرمایه کلان و

قدرت مالی عظیم و ظرفیت به

مراتب بیشتری دارند،

نمی‌توانند رقابت کنند

شرایط جدید بازار وفق داده و به رقابت پردازند. مسلم است که موفقیت شرکت‌های بیمه خصوصی در گرو توانایی آنها در ارائه خدمات مطلوب و با کیفیت و جلب مشتریان، ارائه پوشش‌های متنوع مورد نیاز گروه‌های درآمدی مختلف، تجهیز منابع مالی برای توسعه اقتصادی، پایداری و پیشرفت و از همه مهم‌تر، توسعه بیمه در کشور است.

آزادی ورود شرکت‌های بیمه خارجی

بدیهی است که شرکت‌های بیمه بین‌المللی در دوران گذار، نمی‌توانند حضور مستقیم

و چشمگیری در بازار بیمه کشور داشته باشند. علت آن است که قبل از شکل‌گیری بازار رقابتی کامل، و در نتیجه شرکت‌های بیمه خارجی در آغاز راه، توان رقابت را از شرکت‌های بیمه داخلی سلب می‌کنند. قدرت مالی کم به معنای ظرفیت اندک نگهداری ریسک است. بنابراین، شرکت‌های بیمه داخلی در کوتاه مدت، توان نگهداری چندانی ندارند و برای مازاد سهم نگهداری خود حتی پس از اشباع بازار داخلی به بازارهای اتکایی بین‌المللی وابسته می‌شوند.

برای ورود شرکت‌های بیمه خارجی در حال حاضر محدودیت‌های نسبی وجود دارد، و بازار بیمه ایران به طور مطلق برای سرمایه‌گذاران خارجی بسته نیست اما در درازمدت باید خود را آماده کنیم تا بتوانیم از سرمایه‌گذاران خارجی نیز برای توسعه بازار بیمه استفاده کنیم. شرکت‌های بیمه خارجی به دلیل استفاده از تکنولوژی روزآمد، دارا بودن بهره‌وری مدیریت، بهره‌مندی از قدرت مالی زیاد و تکنیک‌های جدید، عرضه پوشش‌های جدید و در اختیار داشتن آمار و اطلاعات دقیق از بازار، در صورت ورود به بازار کشورهای دیگر، به ویژه کشورهای در حال توسعه، می‌توانند ریسک‌های پیچیده و با سرمایه‌های هنگفت را به نحو مناسبی ارزیابی کنند. این شرکت‌ها از پشتوانه بازارهای بین‌المللی در تأمین پوشش‌های اتکایی بهره‌مندند، در سرمایه‌گذاری ذخایر فنی خود به ویژه ذخایر ریاضی بیمه‌های عمر، تربیت نیروی انسانی متخصص و ماهر و ایجاد شبکه‌های فروش کارآمد، تجربه زیادی دارند و به آسانی می‌توانند با شرکت‌های بیمه داخلی رقابت کنند و گوی سبقت را از شرکت‌های بیمه داخلی برابند. در چنین شرایطی، موفقیت شرکت‌های بیمه داخلی بسیار مهم است؛ زیرا توفیق این شرکت‌ها، هم ضریب موفقیت‌های اقتصادی و اجتماعی کشور را افزایش می‌دهد و هم زمینه‌ساز فعالیت‌های



اقتصادی شرکت‌های بیمه چند ملیتی می‌شود.

شرکت‌های بیمه داخلی، بهترین پایگاه برای توسعه بیمه‌های اصلی مورد نیاز جامعه‌اند. در کنار شرکت‌های بیمه داخلی و در بلندمدت، شرکت‌های بیمه خارجی، شرکت‌های بیمه مستقیم و اتکایی را در مناطق ویژه اقتصادی خواهیم دید که می‌توانند مکمل بازار داخلی باشند. این شرکت‌ها می‌توانند در سرزمین اصلی نیز در برخی از رشته‌ها که بیمه‌گران داخلی فعالیت ندارند، بیمه‌نامه صادر کنند. بنابراین، بیمه‌گران سرزمین اصلی و مناطق آزاد، می‌توانند ظرفیت پذیرش ریسک و پرتفوی خود را در بازار بیمه افزایش داده و در برخی از رشته‌ها در کنار هم فعالیت کنند. در کشور ما زمینه‌های رشد فراوانی، هم در بخش بیمه‌های عمر و هم در بخش بیمه‌های اموال، مسئولیت و بیمه‌های زیان پولی نظیر بیمه‌های اعتباری، تضمینی، عدم النفع، صداقت و امانت و سایر بیمه‌های جامع و متنوعی که اکنون در بازارهای بین‌المللی عرضه می‌شود، وجود دارد.

ورود شرکت‌های بیمه خصوصی

تحولات اخیر بازار بیمه ایران، فرهنگی نو و اصول حرفه‌ای جدیدی را به ارمغان خواهد آورد که بازتاب رقابتی بودن بازار و توسعه اقتصادی در سطوح مختلف خواهد بود. شرح وظایف و هدف‌های شرکت باید به نحوی از پیش تعیین شود که سرمایه‌گذاری، تخصیص منابع و کارایی، فقط برای سوددهی مورد استفاده قرار نگیرد؛ بلکه استراتژی‌ها باید به گونه‌ای طراحی شوند که در بازار رقابتی بدون تعرفه نیز قابل دوام باشند. تعریف مجدد هدف‌ها و برنامه‌ریزی فعالیت، به شرکت‌های بیمه خصوصی کمک خواهد کرد تا با توجه به نقاط ضعف و قوت خویش و تهدیدها، و همچنین استفاده از فرصت‌ها و موقعیت رقیبان در بازار آزاد بدون تعرفه، فعالیت‌های خود را سامان

دهند. اینکه کدام شرکت از دیگری موفق‌تر باشد، در استراتژی جدید بازتاب خواهد یافت.

بازار رقابتی جدید ایجاب می‌کند که شرکت‌های بیمه داخلی که از نظر فنی، مالی و مهارت نمی‌توانند با شرکت‌های بیمه خارجی - که در اغلب رشته‌های بیمه با تجربه‌اند، دارای شبکه وسیع جهانی هستند و سرانجام روزی در بازار بیمه ایران سرمایه‌گذاری خواهند کرد - رقابت کنند. برنامه‌ریزی دقیق و جامعی انجام دهند. شرکت‌های بیمه خارجی و چند ملیتی با حضور در بازارهای جدید، این امکان را دارند که نیروی انسانی مورد نیازشان را از سراسر جهان تأمین کنند و حتی بهترین کارشناسان داخلی را نیز با ایجاد انگیزه جذب نمایند؛ در حالی که شرکت‌های بیمه داخلی به ویژه در کشورهای در حال توسعه که با هیچ شبکه جهانی در ارتباط نیستند و تنها کانال ارتباطی آنها تامین پوشش اتکایی است کمتر می‌توانند از نظر فنی و مالی با شرکت‌های بیمه چند ملیتی رقابت و مبارزه کنند.

شرکت‌های بیمه خصوصی برای استفاده از نیروی انسانی متخصص و ماهر و سنجش تسهیلات و تجربه شرکت‌های بیمه خارجی باید با برنامه‌ریزی و ایجاد ارتباط کاری و همکاری با آنها بتوانند سطح دانش حرفه‌ای کارکنان خود را ارتقا بخشند. همزمان با آن، باید از برنامه‌های آموزش داخلی و خارجی شرکت‌های بیمه خارجی استفاده کنند تا میان شرکت‌های بیمه داخلی و خارجی از نظر توانایی‌های فنی و مالی تعادلی به وجود آید؛ بتوانند در بازار رقابتی بدون تعرفه به بقای خود ادامه دهند و نقشی در خور و در حد استانداردهای بین‌المللی ایفا کنند. مهم‌تر از همه، صنعت بیمه ایران برای حضور بخش خصوصی و ایجاد بازار رقابتی، نیاز شدید به حصول و استفاده مؤثر از تکنولوژی اطلاعات دارد. این تکنولوژی هم اکنون در بیشتر بازارهای بیمه، اعم از توسعه یافته یا در حال توسعه، برای صدور بیمه‌نامه، ارزیابی و پرداخت خسارت، معاملات مختلف، نگهداری سوابق و آمار، حسابداری و ضروری‌تر از همه، محاسبه



ضرورت تدوین نظام جامع آماری

بازار بیمه ایران به یک نظام جامع آماری و بانک اطلاعاتی با برنامه‌ریزی بیمه مرکزی ایران و همکاری کلیه شرکت‌های بیمه نیاز دارد . بازار بیمه در ایران بدون استفاده شایسته از تکنولوژی اطلاعات ، شکل رقابتی مؤثری نخواهد گرفت و مردم به نحو مؤثری از خدمات بیمه‌ای بهره‌مند نخواهند شد . تکنولوژی اطلاعات به فعالیت‌ها سرعت می‌بخشد و سیستم مؤثری در تصمیم‌گیری مدیریت است . بنابراین، ضروری است که شرکت‌های بیمه داخلی از سیستم‌های پیشرفته نرم‌افزار و سخت‌افزار در حد کفایت و به صورت کارا کمک بگیرند؛ زیرا استفاده از تکنولوژی اطلاعات به طور مؤثری در فضای رقابتی از ضروریات محسوب می‌شود و اجتناب‌ناپذیر است. زمانی که بخش خصوصی فعالیت خود را آغاز کند با ظرفیت عظیم بالقوه‌ای مواجه است . به احتمال زیاد ، بخش خصوصی موفق خواهد بود؛ ولی ممکن است با کمبود سرمایه و منابع مالی مواجه شود . این وضعیت در مقایسه با بیمه‌گران خارجی ، با قدرت و توان مالی بسیار و پشتوانه قوی در سطح جهان که مدت طولانی است در بازارها حضور گسترده‌ای دارند، مطلوب به نظر نمی‌رسد .

تجربه گذشته ، میراث خوشایندی نیست . قبل از انقلاب، تعدادی شرکت بیمه خصوصی در بازار ایران با مشارکت یا بدون مشارکت شرکت‌های بیمه خارجی فعالیت می‌کردند؛ هر چند مدت فعالیت آنها طولانی نبود و اغلب آنها در اوایل دهه پنجاه تا اواسط آن تأسیس شدند و با اطمینان نمی‌توان درباره آنها قضاوت دقیق کرد؛ ولی معمولاً کارهای حرفه‌ای و فنی را اغلب، شرکت‌های بیمه چند ملیتی،

بیمه‌گران اتکایی و یا کارگزاران خارجی برای آنها انجام می‌دادند . گاهی تصمیم‌های فنی و مدیریتی را شرکت‌های خارجی اتخاذ می‌کردند و در سایه تعرفه ، که معمولاً بالاتر از نرخ‌های رقابتی بود و ضریب خسارت بازار نیز پایین‌تر از حد معمول بود، میزان نگهداری ریسک شرکت‌های بیمه ایرانی و در نتیجه کل بازار اندک و واگذاری اتکایی آنها به بازارهای بین‌المللی زیاد بود . عمدتاً نیز از قراردادهای اتکایی مشارکت و مازاد سرمایه استفاده می‌شد . البته قراردادهای اتکایی مازاد خسارت نیز داشتند ولی حجم

حق بیمه قراردادهای اتکایی مازاد سرمایه و مشارکت که به خارج پرداخت می‌شد، بسیار بالاتر از حق بیمه پرداختی قراردادهای مازاد خسارت بود . به عبارت دیگر ، بیشتر شرکت‌های بیمه خصوصی از محل کارمزد دریافتی از بیمه‌گران اتکایی ادامه حیات می‌دادند . بنابراین، در آن زمان ، ظرفیت و تکنیک کمتر مورد توجه قرار می‌گرفت . همین امر موجب شد که بخش

خصوصی قبل از انقلاب در کنار عدم تحول و توسعه خود، نتواند به رشد اقتصاد کشور کمک کند. البته مجدداً یادآور می‌شود که زمان فعالیت آنها نیز کوتاه بود؛ ولی در همین مدت کوتاه، پرتفوی نگهداری در داخل اندک بود و قسمت اعظم آن نزد بیمه‌گران اتکایی بین‌المللی، بیمه اتکایی می‌شد .

با عنایت به مطالب عنوان شده، ضروری است که شرکت‌های بیمه خصوصی بعد از تأسیس با کمک بیمه مرکزی ایران و با تشکیل ذخایر و سرمایه کافی و برنامه‌ریزی فنی صحیح ، ساختاری با خلاقیت و نوآوری در سطح حرفه‌ای، فنی و میزان نگهداری صنعت بیمه کشور طراحی کنند . در چنین حالتی، مسائل صنعت بیمه از هر نظر مورد توجه قرار خواهد گرفت ، مشکلات اساسی و ریشه‌ای برطرف خواهد شد و ظرفیت صدور ، میزان نگهداری و توان رقابت با شرکت‌های بیمه خارجی افزایش خواهد یافت . نکته مهم دیگری که



مؤسسان و سرمایه‌گذاران شرکت‌های بیمه خصوصی لازم است به آن توجه داشته باشند، این است که نباید انتظار دریافت سود هنگفت و خارج کردن آن از شرکت بیمه خود را داشته باشند؛ زیرا معمولاً بین سه تا پنج سال طول می‌کشد تا پرتفوی شرکت از نظر فنی به حالت تعادل برسد. بنابراین شرکت‌های بیمه خصوصی باید یک استراتژی درازمدت برای فعالیت و

سرمایه‌گذاری ذخایر برای خود اتخاذ کنند. همچنین باید اندیشه سرمایه‌گذاری کوتاه مدت و برگشت سریع منافع سرمایه‌گذاری را کنار بگذارند. پرتفوی سرمایه‌گذاری منابع شرکت‌های بیمه براساس آیین‌نامه سرمایه‌گذاری مصوب شورای عالی بیمه انجام می‌گیرد که متشکل از سرمایه‌گذاری در بازار سهام، سهام واحدهای تولیدی، اموال غیرمنقول و غیره است. شرکت بیمه باید مطلوب‌ترین پرتفوی سرمایه‌گذاری را داشته باشد تا بتواند ظرفیت نگهداری خود را افزایش دهد. نتیجه نهایی آن، نگهداری هر چه بیشتر حق بیمه در داخل کشور است که آن هم با تقویت بنیه مالی تک تک شرکت‌های بیمه و بیمه‌اتکایی عملی است. شرکت‌های بیمه با تکیه بر منابع مالی و ذخایر خود، جدول ظرفیت نگهداری خود را تعیین می‌کنند. هر چه توان مالی شرکت و به تبع آن کل بازار افزایش یابد، پرتفوی بیشتری را می‌توان در داخل بازار نگهداری کرد و کمتر به بیمه‌گران اتکایی بازارهای بین‌المللی وابسته بود و ارزش کمتری را برای تأمین پوشش‌های اتکایی به خارج ارسال کرد؛ مگر برای ریسک‌هایی نظیر ناوگان‌های هواپیمایی، کشتیرانی، پروژه‌های عظیم مهندسی، نفت و گاز و پتروشیمی و یا ریسک‌های بزرگ صنعتی و غیره که بازار داخلی ظرفیت نگهداری همه این قبیل ریسک‌ها را ندارد و حتماً باید بخشی از آن نزد بیمه‌گران اتکایی معتبر بیمه‌اتکایی شود. اتکایی در مجموع به معنای توزیع جهانی ریسک است. برای برقراری تعادل، می‌توان هم قبول اتکایی از خارج و هم واگذاری به خارج را داشت. البته قبولی اتکایی یک امر بسیار دشوار و پیچیده است و کمتر کشور در حال توسعه‌ای توانسته موفقیت چشمگیری در این رشته داشته باشد و عمدتاً واگذارکننده بوده است.

ضرورت بهره‌گیری از نیروی انسانی متخصص

در بازار بالقوه عظیم بیمه به علت انحصاری و دولتی بودن شرکت‌های بیمه در مدت بیش از دو دهه، میزان دانش فنی و تخصصی بازار در سطح مطلوب قرار ندارد؛ بنابراین، آموزش بسیار مهم است. آموزش فنی و کارآموزی، چه در داخل و چه در خارج از کشور، باید به تدریج از پایین‌ترین سطح تا بالاترین سطح کارشناسی، حتی بخش مدیریت

بعد از آزاد سازی، موضوع خصوصی‌سازی شرکت‌های بیمه دولتی مطرح است. برای حمایت از حقوق صاحبان سهام که دولت است، شرکت‌های بیمه دولتی باید تغییر ساختار دهند و با ساختار خصوصی فعالیت کنند. لازمه این امر، خصوصی سازی آنهاست.

برنامه‌ریزی را در برگیرد. اساس و زیر ساخت مناسب برای استفاده از تکنولوژی امروزی در رشته بیمه و تکنولوژی اطلاعات باید فراهم شود. نیاز به تربیت نیروی انسانی متخصص و ماهر به شدت احساس می‌شود. سطح دانش تخصصی، شبکه فروش تخصصی و تربیت بازاربازان باید بالا رود.

با عنایت به مطالب فوق، مدیریت و نیروی انسانی متخصص و ماهر، عامل کلیدی در اداره موفق شرکت بیمه است. بنابراین، افزایش و قدرت مدیریت و مهارت‌های فنی نیروی انسانی مورد نیاز شرکت‌های بیمه و نیز موضوع‌های استراتژیک شامل نقش مؤسسه، هدف‌ها و ساختارهای سازمانی باید تدوین و براساس آن در

خصوصاً افزایش مهارت‌های فنی و قدرت مدیریت شرکت در کلیه سطوح اقدام شود در کنار سازمان‌دهی و تربیت نیروی انسانی، مراحل عملیاتی شرکت (مانند ایجاد سیستم اطلاعاتی و آماری، حسابداری و تهیه صورت حساب‌های مالی ماهانه، روش‌های صدور بیمه‌نامه در رشته‌های مختلف بیمه‌ای، ارزیابی و پرداخت خسارت، کارشناسی طبقه‌بندی ریسک، هدف‌ها و استراتژی شرکت) نیز باید طراحی و تدوین شود. با استفاده از تکنولوژی اطلاعات پیشرفته و تکنیک‌های مدرن بیمه‌ای و عرضه متنوع بیمه‌ای مورد نیاز جامعه جوان ایران و در نهایت خلاقیت و نوآوری، بخش خصوصی می‌تواند سطح صنعت بیمه آینده ما را از هر نظر به سطح بازارهای بین‌المللی نزدیک کند تا بتوانیم با شرکت‌های بیمه چند ملیتی که به هر حال در آینده دور یا نزدیک در صنعت بیمه ما ظاهر خواهند شد به رقابت بپردازیم. صنعت بیمه در ایران اکنون در مرحله آزادسازی است و شرکت‌های بیمه خصوصی به تدریج مراحل اخذ مجوز تأسیس را طی می‌کنند و به زودی فعالیت خود را آغاز خواهند کرد. بیمه مرکزی ایران در حال تدوین برنامه‌هایی برای تقویت بنیه مالی و افزایش مهارت‌های فنی خود است و اصلاح قوانین و مقررات را بر طبق برنامه از پیش تدوین شده، آغاز کرده است. بنابراین، با آغاز فعالیت بخش خصوصی، شاهد رقابت داخلی تحت نظارت و کنترل بیمه مرکزی ایران خواهیم بود. در این مرحله باید ابزارهای لازم برای اندازه‌گیری کمی و کیفی خدمات طراحی شده برای تقویت بازار داخلی و آماده کردن شرکت‌های بیمه برای ورود به مرحله رقابت کامل، فراهم شود. بعد از آزاد سازی، موضوع خصوصی‌سازی

شرکت‌های بیمه دولتی مطرح است. تعیین تکلیف شرکت‌های بیمه دولتی مسئله بسیار مهمی است. برای حمایت از حقوق صاحبان سهام که دولت است، شرکت‌های بیمه دولتی باید تغییر ساختار دهند و با ساختار خصوصی فعالیت کنند. لازمه این امر، خصوصی سازی آنهاست. خصوصی سازی شرکت‌های بیمه دولتی با توجه به تعهدات بلند مدت آنها، بسیار مهم است و ارزیابی دارایی‌ها، تعهدات و تعیین ارزش سهام با در نظر گرفتن تعداد کارکنان آنها نیازمند محاسبات مالی و فنی دقیق است. در این مرحله نقش بیمه مرکزی ایران بسیار حیاتی است. این نهاد از یک سو وظیفه حمایت از حقوق بیمه‌گذاران و بیمه‌شدگان را بر طبق ماده یک قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری بر عهده دارد و از سوی دیگر حفظ حقوق دولت در ارزیابی ارزش سهام با در نظر گرفتن نیروی انسانی متخصص و با تجربه این شرکت‌ها از وظایف بیمه مرکزی ایران است. اگر خصوصی سازی شرکت‌های دولتی با تأخیر انجام شود، ممکن است بخش خصوصی وارد حوزه فعالیت آنها شده و بخشی از پرتفوی آنها را به خود اختصاص دهد که از نظر قانون و مقررات در بازار رقابتی هیچ منعی ندارد. بنابراین، خصوصی سازی شرکت‌های بیمه دولتی باید در مرحله‌ای انجام گیرد که نیروی انسانی و پرتفوی این شرکت‌ها دستخوش تغییرات نشده باشد. خوشبختانه مسئولان امر به این امور کاملاً واقف‌اند و به تمام این نکات توجه می‌کنند.

وزارت امور اقتصادی و دارایی و بیمه مرکزی ایران با هماهنگی سایر نهادهای ذی‌ربط، تمهیدات لازم را برای اجرای برنامه خصوصی سازی اندیشیده‌اند و این امر هم در حال پیگیری برای اجراست. در

حال حاضر بیمه مرکزی ایران با استفاده از طرحی پژوهشی، راهکارهای خصوصی سازی شرکت‌های بیمه دولتی را بررسی می‌کند.

آمار بازار بیمه نشان می‌دهد که صنعت بیمه در سال ۱۳۸۰ رشدی ۴۱ درصدی را تجربه کرده که در خور تقدیر است. ولی این آمار همچنین نشان می‌دهد که حق بیمه نه تنها نسبت به جمعیت کشور زیاد نیست، بلکه توزیع حق بیمه نیز بین رشته‌های مختلف نامناسب است. دلیل آن را می‌توان در فقدان خلاقیت، نوآوری و مهارت‌های فنی برای عرضه تولیدات و خدمات بیمه‌ای مورد نیاز اقتصاد و مردم کشور دید. نسبت سرانه حق بیمه هم اکنون نزدیک به یک درصد تولید ناخالص ملی است. این نسبت، گرچه در سال‌های اخیر رشد چشمگیری داشته است، ولی در مقایسه با دیگر کشورهای نظیر ما، راه طولانی باید طی شود تا به استاندارد قابل قبولی نایل شویم. تولیداتی که هم‌اکنون صنعت بیمه به بازار عرضه می‌کند، متناسب با فعالیت اقتصادی بخشی از مردم نیست و براساس نیاز بازار سازماندهی نشده است. بدین سبب در اغلب رشته‌های بیمه، بازار بالقوه عظیمی در ایران وجود دارد. برای احیای ظرفیت بالقوه عظیم، شرکت‌های بیمه خصوصی باید برنامه‌ریزی داشته باشند.

برای ارائه پوشش‌های مورد نیاز اقتصاد و مردم، مطالعه و تحقیق همراه با در اختیار داشتن دانش فنی مورد نیاز است. در این زمینه می‌توان از نوآوری و خلاقیت و ابتکار شرکت‌های بیمه خارجی در زمینه بازاریابی، تهیه و ارائه پوشش‌های جدید مورد نیاز مشتریان سود جست و طرح‌های جدیدی را با کیفیت مطلوب تهیه و به بازار عرضه کرد. در آینده که به تدریج تعرفه حذف و نظارت مالی جایگزین آن شود، ارایه بیمه‌های سنتی در شرایط بازار رقابتی بدون تعرفه، موفقیت‌آمیز نخواهد بود.

ضرورت افزایش تنوع در پوشش‌های بیمه‌ای

موفقیت آینده صنعت بیمه در گرو طراحی و ارائه پوشش‌های متنوع و جدید براساس نیاز مشتری و استفاده از ابزارهای مؤثر بازاریابی و شبکه فروش است. فایده آمدن بر مشکلات فنی و مدیریتی شرکت‌های بیمه خصوصی نیز در گرو برنامه‌ریزی و ارتقای سطح فعالیت آنها است. بیمه مرکزی ایران باید با اتخاذ استراتژی جدیدی با فرهنگ رقابتی قوی تلاش کند تا صنعت بیمه ایران در سطح جهان قوی و مطرح باشد.

از آنجا که در برخی از رشته‌های بیمه تعداد نیروی انسانی متخصص و ماهر اندک است، تشکیل کمیته‌های تخصصی (مانند کمیته بیمه‌های مهندسی، کمیته بیمه‌های حمل و نقل، بیمه‌های هواپیمایی، بیمه‌های صنعتی و غیره) متشکل از مدیران و کارشناسان همان رشته برای برنامه‌ریزی و اظهار نظر در خصوص طرح‌های مختلف و بیمه‌های جامع برای کل بازار، کارساز خواهد بود.

به هر حال بیمه باید در کشور ما فراگیر شود و همه قشرهای جامعه در سطوح مختلف از خدمات بیمه‌ای بهره‌مند شوند. همه باید دست به دست هم دهیم و خستگی ناپذیر برای رشد با ثبات در صنعت بیمه تلاش کنیم تا این هدف محقق شود. شرکت‌های بیمه نیز باید خود را برای رقابت بدون تعرفه در آینده آماده و با دقت و هوشیاری برنامه‌های خود را طراحی کنند تا بتوانند خدمات مورد نیاز مردم و بنگاه‌های اقتصادی را با کیفیت خوب عرضه دارند و در تولید ناخالص داخلی مشارکت مؤثری داشته باشند.

رقابت در صنعت بیمه نیازمند توان مالی و تلاش فنی است. رقابت باید حرفه‌ای باشد تا دوام یابد که در این صورت به نفع مردم، صنعت بیمه و کل اقتصاد کشور جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

ص ۹۰، ۲۵۰۱

